

ازدواج و

درآمد

این پژوهش به منظور بررسی «نقش حفاظتی ازدواج و عوامل مؤثر در سازگاری زناشویی» انجام گرفت. نمونه‌ی مورد مطالعه، شامل ۳۰ زوج متاهل (۳۰ مرد و ۳۰ زن) ساکن شهرستان کرج بود که در محدوده‌ی سنی ۲۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند. در پژوهش حاضر، به منظور جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسش‌نامه‌ی سازگاری زناشویی و مدیریت استرس استفاده شد. به این ترتیب، از هر آزمودنی دو نمره به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و در سطح استنباطی از ضریب هم‌بستگی پیرسون و آزمون T استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که سازگاری زوجین، با افزایش طول مدت زناشویی کاهش می‌یابد. میان سازگاری زناشویی زوجین و هم‌چنین توانایی



لیلا کریمی

پیشینه‌ی پژوهش

همسرگزینی و تشکیل خانواده، مهم‌ترین رویداد زندگی در دوره‌ی جوانی است و تا پایان عمر، بر جریان حیات و سعادت فرد اثر می‌گذارد. اگر ازدواج نبود، خانواده نبود و اگر اجتماع نبود، فرهنگ و تمدن شکل نمی‌گرفت. سازگاری زوج‌ها یکی از پیامدهای ازدواج موفق است که نه تنها بر میزان رضایتمندی و احساس خوشبختی آن‌ها اثر می‌گذارد، بلکه تنش‌های زناشویی را کاهش می‌دهد. با توجه به اهمیت سازگاری زناشویی در سلامت افراد خانواده و نهایتاً، تعادل خانواده و اجتماع و هم‌چنین اهمیت ازدواج موفق توأم با

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



سازگاری زناشویی

آن‌ها در مدیریت فشار، هم بستگی معناداری وجود دارد. با آگاهی از نتایج این پژوهش می‌توان در جهت تثبیت هرچه بیشتر زندگی زناشویی، رهنمودهایی ارائه کرد و از مشکلات خانوادگی زوجین کاست.

ازدواج یکی از سه رویداد مهم زندگی، یعنی تولد، ازدواج و مرگ است. لذا، در میان مسائل گوناگون فرهنگی، شاید مهم‌ترین و حساس‌ترین حادثه‌ای است که در زندگی فرد رخ می‌دهد. ازدواج اساس تشکیل خانواده است و بدون شک، امتیازات بسیاری با خود به همراه دارد. نتایج حاصل از تحقیقات گسترده‌ای که در سراسر جهان انجام گرفته است، نشان می‌دهد که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد شادتر و سالم‌ترند، عمر طولانی‌تری دارند، سخت‌کوش‌ترند و دارای درآمد بالاتری هستند.

ازدواج موفق سازگاری و رضایتمندی زناشویی را به همراه خواهد داشت. سازگاری زناشویی را می‌توان به عنوان منبع نظام خانواده یا حتی بخشی از نیروهای تأمین حیات و احیاکننده‌ی خانواده دانست [ملازاده، ۱۳۸۱]. این سازگاری می‌تواند، به طور کامل بر کیفیت زندگی تأثیر بگذارد. اسپایر (۱۹۷۶) کیفیت زناشویی را تابعی از موفقیت و کنشوری ازدواج دانسته است. کیفیت زناشویی، براساس نظر جئونگ، بلمن و اسکام (۱۹۹۲) در قالب رضایتمندی و روابط زناشویی با همسر تعریف شده است. تحقیقات انجام شده، اهمیت تأثیر آن را بر انواع نتایج بالینی مانند بهداشت روانی [وارینگ و پاتن، ۱۹۸۴]، بهداشت جسمانی [جوانس و بینک، ۱۹۸۹] و حتی طول عمر [برکمن و سایمی، ۱۹۷۹] تأیید کرده‌اند. با توجه به اهمیت سازگاری زناشویی در بهداشت و سلامت، بسیاری از متخصصان این پدیده را همواره مورد سنجش قرار می‌دهند.

بخش عظیمی از تحقیقات در بیش از یک ربع قرن گذشته، به بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های عوامل اختلال در رابطه‌ی دو نفره‌ی زناشویی اختصاص یافته است [آیوب و لپندون، ۱۹۹۱؛ هاگس، گالینسکی و موریس، ۱۹۹۲؛ لامک، ۱۹۸۹]. بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی و تأثیرات مثبت ازدواج حائز اهمیت است. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی نحوه‌ی تأثیر ازدواج بر کارکردهای روانی افراد و هم‌چنین عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی ازدواج انجام شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مطالعات گسترده‌ای که در مورد آرمان‌های مطلوب زنان و مردان صورت گرفته، حاکی از آن است که بیشتر آنان به دنبال افرادی هستند که خونگرم و نجیب، کامل و صمیمی باشند و توانایی عشق ورزیدن را داشته باشند [تی و ریز]. یکی دیگر از ملاک‌ها، نقش دختر و پسر در انتخاب شریک زندگی است. در گذشته، همسرگزینی کمتر در اختیار دختر و پسر بود که قصد ازدواج داشتند. دلیل این موضوع، شاید ازدواج در سن کم به ویژه در مورد دختران یا کاهش قدرت تصمیم‌گیری بود. اما امروزه به تدریج، خواست دختر و پسر در این امر که بزرگ‌ترین اقدام در تعیین سرنوشتشان محسوب می‌شود، عامل اساسی شده است. به طور کلی، در نظر گرفتن چنین ملاک‌هایی نقش مهمی در سازگاری زناشویی بعدی زوجین دارد.

تحقیقات مربوط به خشنودی و آرامش روانی، به مطالعه‌ی چگونگی و چرایی تجربه‌ی مثبت افراد در همه‌ی زندگی می‌پردازد

شادگامی که سرچشمه و منشأ سازگاری زناشویی و تعادل روانی است، بشر از دیرباز با سؤالات فراوانی در این زمینه روبه‌رو بوده است. برای مثال: چه عواملی در سازگاری زناشویی مؤثر بوده‌اند؟ ازدواج علاوه بر به جای آوردن فریضه‌ی دینی، ارضای صحیح و مجاز غریزه‌ی جنسی و رهایی از حصار تنهایی، چه امتیازاتی برای زوجین به همراه دارد؟ چگونه می‌توان از بروز ناسازگاری زناشویی جلوگیری کرد و نظایر آن، در پاسخ به این سؤالات مطالعه‌های بسیار انجام گرفته است. حاصل این مطالعات، حجم انبوهی از یافته‌هاست که متغیرها، ملاک‌ها و عوامل مؤثر در ازدواج موفق و سازگاری زناشویی را نشان می‌دهد.

ملاک‌های یک ازدواج موفق کدام‌اند و چه نقشی در سازگاری زناشویی دارند؟ به طور معمول، زوج‌ها همسر خود را بر اساس ملاک‌ها و ویژگی‌های خاصی انتخاب می‌کنند. برای مثال،

روش تحقیق آزمودنی ها

آزمودنی ها از کلیه ی زنان و مردان متأهل شهرستان کرج انتخاب شدند. در این پژوهش در مجموع ۶۰ نفر آزمودنی (۳۰ مرد و ۳۰ زن) شرکت داشتند. به علت این که موضوع پژوهش مربوط به ازدواج و سازگاری زناشویی بود، افراد به صورت زوج انتخاب شدند. هم چنین به دلیل محدودیت زمانی و وقت گیر بودن نمونه گیری تصادفی، از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد.

ابزار و شیوه ی اجرا

در این پژوهش از دو پرسش نامه استفاده شد:

۱. پرسش نامه ی سازگاری زناشویی: این پرسش نامه ۳۲ ماده دارد و حداکثر نمره ای که هر آزمودنی می تواند کسب کند، ۱۵۱ و حداقل صفر است. با توجه به پاسخی که هر یک از افراد به مواد آزمون دادند، نمره ی آن ماده تعیین شد و مجموع نمرات حاصل از ۳۲ ماده، نمره ی سازگاری زناشویی فرد را تعیین کرد.

۲. پرسش نامه ی توانایی مدیریت فشار: این پرسش نامه ۶۰ ماده دارد که هر ماده شامل چهار گزینه (هرگز، گاهی، اغلب و همیشه) است. قبلاً هر ماده یا سؤال به ماده ی مثبت یا منفی تفکیک شده است. در صورتی که ماده مثبت باشد، نمره ی تعلق گرفته به آن سؤال به نمره ی کل افزوده می شود. اگر ماده منفی باشد، نمره ی آن سؤال از نمره ی کل آزمودنی کسر می شود. در این پرسش نامه برای به دست آوردن نمره ی کل هر آزمودنی، مجموع نمرات مثبت و منفی وی با هم جمع شد و حاصل آن به عنوان نمره ی مدیریت فشار آزمودنی در نظر گرفته شد. حداکثر نمره ای که هر آزمودنی به دست می آورد، ۱۱۱ و حداقل ۶۹- بود. روش کار بدین صورت بود که به هر آزمودنی (زن و مرد) یک پرسش نامه ی سازگاری زناشویی و آزمون مدیریت فشار داده شد. هنگام تحویل پرسش نامه ها به زوج ها گفته شد که یک علامت یا کد شناسایی انتخاب و آن را در بالای پرسش نامه منظور کنند تا هنگام جمع آوری داده ها و طبقه بندی اطلاعات، پرسش نامه ی مربوط به هر یک از زوج ها قابل تفکیک باشد. به این ترتیب از هر آزمودنی دو نمره به دست آمد.

نتایج

در این پژوهش به منظور تحلیل داده های جمع آوری شده، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار استنباطی، ضریب هم بستگی پیرسون و آزمون استودنت برای گروه های مستقل به کار گرفته شد. نتایج به دست آمده از پژوهش به طور خلاصه به

[داینر، ۱۹۸۴]. نظریات متعدد در مورد سازگاری، ارتباط آن را با شخصیت مشخص کرده است. برای نمونه، در نظریه ی میزان سازگاری بالا و پایین، فرض بر این است که یک تمایل کلی (نشئت گرفته از رگه های پایدار شخصیت) برای تجربه ی زندگی در یک حالت مثبت یا منفی وجود دارد. الگوی تعادل پویا نیز نشان داده است که شخصیت در سازگاری نقش حساسی دارد. هدی و ویرینگ (۱۹۸۹) معتقدند که هر فردی دارای یک سطح به هنجار تعادل سازگاری و آرامش روانی است. به نظر آن ها، هر چند سطح آرامش روانی و سازگاری می تواند در اثر تغییرات و رویدادهای جدید مثبت و منفی از حالت اعتدال خارج شود، ویژگی های شخصیت می تواند به عنوان عوامل برقرار کننده ی سطح تعادل به هنجار، نقش مناسب خود را ایفا کند. تحقیقات نشان داده است که سازگاری روان شناختی در بعد فردی می تواند، سازگاری و روابط زناشویی بهتری را در پی داشته باشد.

نتایج تحقیقات دریاره ی رابطه ی وضعیت اقتصادی با کیفیت زناشویی تناقض آمیز بوده است. برخی از محققان نیز معتقدند که وضعیت اقتصادی با سطح سازگاری دو نفره یا زناشویی رابطه ای ندارد [آیوب و لیبندون؛ کروهان و دروف، ۱۹۸۹].

با توجه به الگوهای نظری و یافته های پژوهشی موجود، تحقیق حاضر این موضوع را بررسی می کند که چه عواملی در سازگاری زناشویی نقش دارند؟ بدین منظور هشت فرضیه ی زیر مورد آزمون قرار گرفتند.

۱. بین سازگاری زناشویی زوج ها و هم چنین بین نمرات مدیریت فشار آن ها رابطه ی مثبت وجود دارد.
۲. میانگین نمرات مدیریت فشار مردان و زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، بالاتر از مردان و زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی است.
۳. بین طول مدت زناشویی زوج ها و سازگاری زناشویی در آن ها رابطه ی مثبت وجود دارد.
۴. بین طول مدت زناشویی و نمرات مربوط به مدیریت فشار رابطه ی مثبت وجود دارد.
۵. بین مدت زمان نامزدی و سازگاری زناشویی در زوج ها هم بستگی وجود دارد.
۶. سازگاری زناشویی مردان و زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، بالاتر از سازگاری زناشویی افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی است.
۷. به طور میانگین، توانایی مردان در مدیریت فشار از زنان بالاتر است.

قرار زیر است :

● میان سازگاری زناشویی زوجین ($r = 0/85$) و هم چنین بین نمرات مدیریت فشار آن‌ها هم بستگی مثبت وجود دارد ($r = 0/48$).

● به منظور آزمون فرضیه‌ی دوم، هم زنان و هم مردان براساس داشتن یا نداشتن تحصیلات دانشگاهی، به دو گروه تقسیم شدند. نتایج نشان داد که توانایی مدیریت فشار و سازگاری زناشویی مردانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، بالاتر از توانایی مدیریت فشار و سازگاری زناشویی مردانی است که فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند (t به دست آمده $2/235$ بزرگ‌تر از t جدول $1/117$ با درجه‌ی آزادی 24 و در سطح معناداری $0/05$ بود). این فرض در مورد زنان رد شد. به عبارت دیگر، سازگاری زناشویی زنان با تحصیلات دانشگاهی، بالاتر از سازگاری زناشویی زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی نیست.

● سازگاری زناشویی زنان با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند ($r = -0/76$)، ولی میان سازگاری زناشویی مردان و مدت زناشویی آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد ($r = -0/3$)؛ گرچه ضریب هم‌بستگی به دست آمده منفی است. بنابراین، فرضیه‌ی سوم تأیید نشد.

● میان طول مدت زناشویی زنان ($r = 0/23$) و مردان ($r = -0/17$) و توانایی مدیریت فشار آن‌ها رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. پس فرضیه‌ی چهارم نیز تأیید نشد.

● بین مدت زمان نامزدی و سازگاری زناشویی زنان ($r = 0/27$) و مردان ($r = 0/26$) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه‌ی پنجم نیز رد می‌شود.

● برای آزمون فرضیه‌ی ششم نیز مانند فرضیه‌ی دوم عمل شد. در مورد زنان، میان میانگین‌های به دست آمده اختلافی وجود نداشت. اما در مورد مردان مقدار t به دست آمده از t جدول با توجه به درجه‌ی آزادی 24 و سطح معناداری $0/05$ بزرگ‌تر بود. بنابراین، این فرضیه در مورد زنان تأیید نشد، ولی در مورد مردان مورد تأیید قرار گرفت. به عبارت دیگر، سازگاری زناشویی مردانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، از مردان بدون تحصیلات بیشتر است.

● برای آزمون فرضیه‌ی هفتم، میانگین سازگاری زناشویی زن و مرد به عنوان سازگاری دو نفره در نظر گرفته شد. زوج‌ها براساس داشتن یا نداشتن سابقه‌ی آشنایی، به دو گروه تقسیم شدند. نمره‌ی t به دست آمده ($2/79$) از t جدول ($1/71$) با درجه‌ی آزادی 22 و سطح معناداری $0/5$ بزرگ‌تر بود. به عبارت دیگر، اختلاف مشاهده شده بین میانگین‌های دو گروه، با احتمال $0/95$ درصد معنادار است و می‌توان گفت، سازگاری زناشویی زوج‌هایی که

سابقه‌ی آشنایی پیش از ازدواج دارند، بالاتر از سازگاری زناشویی زوج‌هایی است که سابقه‌ی آشنایی پیش از ازدواج ندارند. ● توانایی مدیریت فشار مردان و زنان با یکدیگر تفاوتی ندارد ($t = 1/034, t = 1/67, df = 58, p > 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که پنج فرضیه از هشت فرضیه مطرح شده تأیید می‌شوند.

فرضیه‌ی ۱. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که در طول زندگی زناشویی، برخی از صفات شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی، هیجانی و حل مسئله‌ی زوجین، به طرف مقابل نیز انتقال می‌یابد و به تدریج آن‌ها از جنبه‌های متفاوت روانی و هیجانی، به یکدیگر شبیه می‌شوند که این موضوع یکی از تأثیرات مثبت ازدواج است. حتی در صورتی که یکی از زوجین از سازگاری زناشویی در حد مطلوب برخوردار نباشد، ظرفیت‌های بالقوه‌ی طرف مقابل در برخورد با فشارها و تعارض‌های زناشویی، کاستی‌های هیجانی و ارتباطی طرف مقابل را تعدیل می‌کند.

فرضیه‌ی ۲. شاید بتوان گفت که زنان با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی، با آغاز زندگی مشترک باز هم ناچارند به نقش سنتی خود بپردازند که همان همسر و مادر نمونه است. در نتیجه، ازدواج نه تنها موجب استقلال آن‌ها نمی‌شود، بلکه با تولد فرزندان، محدودیت‌های پس از ازدواج افزایش نیز می‌یابد. در نتیجه زنان از دانش و تحصیلات خود در زندگی مشترک بهره‌ی چندانی نمی‌برند. برخلاف زنان، مردان با تحصیلات دانشگاهی علاوه بر یافتن فرصت‌های شغلی مناسب‌تر، منزلت اجتماعی بالاتری نیز کسب می‌کنند و ازدواج نه تنها مانعی برای پیشرفت شغلی و اجتماعی آن‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه موفقیت بیشتری برای آن‌ها به همراه دارد.

فرضیه‌ی ۳. شاید یکی از دلایل این که سازگاری زناشویی زنان با گذشت زمان کاهش می‌یابد این باشد که بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی مثبت و منفی، پس از مدت زمان طولانی آشکار می‌شوند و طبق این تبیین، مدت زمانی که زوج‌ها با یکدیگر ازدواج کرده‌اند نیز مهم است. بنابراین، هر چه از طراوت و گرمی ازدواج و تازگی ارتباط زناشویی می‌گذرد، اختلافات شخصیتی و تفاوت‌های هیجانی و روانی میان زوجین بیشتر آشکار می‌شود و همین موضوع در سازگاری زناشویی تأثیرگذار است.

فرضیه‌ی ۴. این که توانایی مدیریت فشار زنان و مردان با گذشت زمان چندان دست‌خوش تغییر نمی‌شود، می‌تواند به این دلیل باشد که توانایی مدیریت فشار روانی، مانند سبک‌های هیجانی ارتباطی،

تجربی، بازخوردی و انگیزشی، از ویژگی‌های شخصیتی افراد به شمار می‌رود و عموماً این ویژگی‌ها به گونه‌ای تثبیت شده‌اند که کمتر تحت تأثیر روابط زناشویی و عوامل محیطی-اجتماعی قرار می‌گیرند.

فرضیه ۵. اگرچه تأثیر مثبت دوران نامزدی بر سازگاری زناشویی زوجین در تحقیقات گوناگون به اثبات رسیده است، اما در این پژوهش این تأثیر مشاهده نشد. در واقع با افزایش مدت نامزدی زوجین، سازگاری زناشویی آنان افزایش پیدا نکرد.

شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین محدودیتی که در پژوهش حاضر وجود داشت، روش نمونه‌گیری بود. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری در دسترس بود. از عیب‌های این روش می‌توان به تصادفی نبودن انتخاب نمونه‌ها، سوگیری احتمالی در یافته‌های تحقیق، و هم‌چنین نبود امکان تعمیم یافته‌های پژوهش اشاره کرد. در پژوهش‌های آتی بهتر است: اولاً، به نقش سایر عوامل محافظت‌کننده و تأثیر آن‌ها روی سازگاری زناشویی زوجین توجه بیشتری شود. ثانیاً، علل کاهش سازگاری زناشویی زنان طی زمان مطالعه شود.

منابع

۱. آپسنگ، هانس یورگن (۱۳۷۷). واقعیت و خیال در روان‌شناسی، ترجمه‌ی محمدتقی براهنی و نیرسان گاهان، چاپ دوم، انتشارات رشد، تهران.
۲. استرنبرگ، رابرت جی (۱۳۸۲). قصه‌ی عشق، ترجمه‌ی علی اصغر بهرامی، چاپ اول، انتشارات رشد، تهران.
۳. بیپانگرد، اسماعیل (۱۳۸۱). جوانان و ازدواج، انتشارات دژ، تهران.
۴. شولتز و شولتز (۱۳۸۳). نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، چاپ ششم، مؤسسه‌ی نشر و پراکنش، تهران.
۵. محسنی و پوررضا (۱۳۸۲). ازدواج و خانواده در ایران، انتشارات آرون، تهران.
۶. نجاتی، حسین (۱۳۸۰). روان‌شناسی زناشویی، انتشارات بی‌گران، تهران.
7. Daniel, K. (1995), The marriage premium. In M. Tommasi & K. Ierulli, Eds, The new economics of human behaviour, 113-125, Cambridge: CUP.
8. Bachman, J. P. el. (1997), *Smoking, drinking and drug use in young adulthood*, Mahwah, NJ: Erlbaum.
9. Horwitz., and Waite., H. (1998). The relationship of cohabitation and mental health: A study of a young adult. Cohort, Journal of Marriage and the family, 60, 505-14.
10. Marks, N., and Lambert, J. (1998), Marital status continuity and change among young and mid-life adults: Longitudinal Effects on Psychological Wellbeing *Journal of Family Issues*. 19, 652-86.
11. Waite, L., and Gollager, M. (2000), *The case for marriage*, New York: Doubleday.

